



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی
گروه آموزشی زبان و ادبیات فاذسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش محض

عنوان:

بررسی سبک‌شناختی انوار سهیلی

استاد راهنما:

دکتر رامین محرمی

استاد مشاور:

عسگر صلاحی

پژوهشگر:

لیلا عینعلی‌زاده

زمستان ۱۳۹۶

نام خانوادگی دانشجو: عینعلی زاده نام: لیلا
عنوان پایان نامه: بررسی سبک شناختی انوار سهیلی
استاد راهنما: دکتر رامین محرمی استاد مشاور: دکتر عسگر صلاحی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد گرایش: محض دانشگاه: محققار دبیلی رشته: زبان و ادبیات فارسی دانشکده: ادبیات و علوم انسانی تاریخ دفاع: ۱۳۹۶ / ۱۲ / ۰۶ تعداد صفحات: ۱۰۳
<p>چکیده:</p> <p>انوار سهیلی یکی از کتاب‌های کهن و مشهوری است که از جهات مختلف حائز اهمیت است. انوار سهیلی بازنویسی شده‌ی کتاب عظیم کلیله و دمنه توسط ملاحسین واعظ کاشفی است. این کتاب مانند رودخانه‌ی عظیمی است که سرزمین‌های مختلفی را درنور دیده و بعضی از خصوصیات خود را مانند رسوب بر جای گذاشته است. در این پژوهش انوار سهیلی از دو جهت فکری و ادبی مورد توجه قرار می‌گیرد. در قسمت فکری به مسائل مهم اخلاق، سیاست و اجتماع، دین که نویسنده در کتاب خود آورده است، پرداخته‌ایم. در قسمت ادبی به بحث و بررسی صور خیال و صنایع بدیع معنوی می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که واعظ کاشفی به خوبی توانسته است با مهارت خاصی آن‌ها را در کلام خود استفاده کند. او با یاری جستن از فرهنگ و زبان ادبی، معانی غریب به خوبی توانسته واقعیت و مسائل مربوط به دوره‌ی تیموری را به تصویر بکشد. انوار سهیلی دارای ویژگی‌های سبکی مختلفی از قبیل: روایتگری، قصه‌پردازی، داشتن راوی، بن‌مایه و موضوع خاص، لحن و بیان خاص، اوصاف زبانی، لفظ پردازی و افراط در کاربرد صنایع لفظی و به تبع آن اطناب است که در فصل سوم به بحث آن می‌پردازیم.</p>
کلمات کلیدی: انوار سهیلی، واعظ کاشفی، سبک‌شناسی، نثر فارسی

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱- بیان مسأله:	۲
۲-۱- سؤال (سؤال های) پژوهش:	۱۲
۳-۱- هدف (اهداف) پژوهش:	۱۲
۴-۱- ضرورت واهمیت پژوهش:	۱۳
۵-۱- پیشینه‌ی پژوهش:	۱۳
۶-۱- مواد (داده ها) و روش پژوهش:	۱۳
۷-۱- وسایل و ابزار مورد نیاز برای انجام پژوهش:	۱۴
۸-۱- مدت اجرای پژوهش: از زمان تصویب به مدت ۱۲ ماه:	۱۴
۹-۱- مؤسسات آموزشی و پژوهشی همکاری کننده:	۱۴
۱۰-۱- محل اجرای پژوهش (بخش عملی پژوهش):	۱۴

فصل دوم: مبانی نظری تحقیق

۱-۲- تعریف سبک	۴۱
۲-۲- دیدگاه پژوهشگران درباره‌ی سبک	۴۳
۳-۲- ارزش سبک شناسی	۴۵
۴-۲- رویکردهای سبک شناسی	۴۵
۵-۲- سبک شناسی صورت‌گرا	۴۶
۶-۲- سبک شناسی ساختاری	۴۷
۷-۲- سبک شناسی نقش‌گرا	۴۸
۸-۲- رویکردهای آماری	۴۹
۹-۲- انواع نثر فارسی	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
۱-۹-۲- نثر مرسل	Error! Bookmark not defined.
۲-۹-۲- نثر بینابین	Error! Bookmark not defined.
۳-۹-۲- نثر موزون	Error! Bookmark not defined.
۴-۹-۲- نثر فنی	Error! Bookmark not defined.
۱۰-۲- نثر ساده و بینابین قرن ششم	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
۱۱-۲- نثر دوره‌ی صفویه	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. ۱۲-۲- عصر قاجار
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. ۱۳-۲- نثر دوره‌ی معاصر

فصل سوم: بحث و بررسی

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. ۱-۳- سطح ادبی
Error! Bookmark not defined. ۱-۱-۳- تشبیه در انوار سهیلی
Error! Bookmark not defined. ۲-۱-۳- تمثیل
Error! Bookmark not defined. ۳-۱-۳- استعاره
Error! Bookmark not defined. ۴-۱-۳- کنایه
Error! Bookmark not defined. ۵-۱-۳- بدیع در انوار سهیلی
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. ۲-۳- ویژگی نثر ادبی انوار سهیلی
Error! Bookmark not defined. ۱-۲-۳- مفاهیم اخلاقی و تعلیمی
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. نتیجه‌گیری
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. منابع

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- بیان مسأله:

سبک‌شناسی چیست؟ سبک‌شناسی علم یا نظامی است که از سبک بحث می‌کند. به طور کلی می‌توان گفت که سبک وحدتی است که در آثار کسی به چشم می‌خورد. یک روح یا ویژگی یا ویژگی‌های مشترک و متکرر در آثار کسی است. به عبارت دیگر این وحدت منبعث از تکرار عوامل یا مختصاتی است که در آثار کسی هست و توجه خواننده‌ی دقیق و کنجکاو را جلب می‌کند. برخی از این عوامل یا مختصات سبک ساز نسبتاً آشکار باشند اما معمولاً و غالباً پنهان و پوشیده‌اند. مثلاً آن زمینه‌ی مشترکی که کم و بیش در همه‌ی آثار سعدی دیده می‌شود چیست؟ زمینه‌ی مشترک یا وحدت یعنی سبک فقط منوط به عوامل لفظی (زبانی) نیست بلکه در تفکر و بینش هم تکرار عوامل و عناصر اندیشگی وجود دارد. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۳)

سبک‌شناسی از جمله علوم ادبی است که امروزه اهمیت خاصی دارد. در بحث از سبک شعری که به مرور زمان به وجود می‌آید، عوامل زیادی از قبیل دلایل اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، سیاسی و اقتصادی و... سهم‌اند. می‌توان گفت هر سبک شعری، ویژگی‌های خاص خود را دارد که با گذشت زمان رشد کرده، در میان شاعران آن سبک رواج پیدا می‌کند. (طاهری روشنی، ۱۳۹۰: ۲)

بررسی سبکی هر اثری، یکی از ابزارهای مهم در تعیین شاخصه‌های زبانی، ادبی و فکری آن اثر است که با داده‌های دقیق آماری، جایگاه و اهمیت نوشته را بیش از پیش روشن‌تر می‌کند. در واقع تبیین سبک نوشتاری بر اساس داده‌های آماری، نشان‌دهنده‌ی زیرساخت و روساخت هنر صاحب سبک و اثبات‌کننده‌ی ویژگی‌های برجسته‌ی نوشته‌است. (طایفی و کمالخانی، ۱۳۹۰: ۲۰۹)

تعاریف متعددی در مورد سبک ارائه شده است:

از دیدگاه پورنامداریان عناصر اصلی در تحلیل یک متن ادبی عبارت است از: ۱) جنبه‌های بلاغی ۲) جنبه‌های موسیقایی و آوایی ۳) جنبه‌های صرفی و واژگان ۴) جنبه‌های نحوی ۵) ساختمان شعر. پورنامداریان شعر شاملو را از جهت عاطفه، تخیل، زبان، موسیقی و وزن، ساختمان شعر و جنبه‌های بلاغی بررسی کرده است و در کتاب «خانه‌ام ابری است» بیش‌تر بر ویژگی‌های زبانی و واژگانی شعر نیما تأکید کرده است. (ایران‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴)

از دیدگاه شفیعی کدکنی هیچ سبکی را جز از طریق مقایسه‌ی نرم و درجه‌ی انحراف آن از نرم نمی‌توان تشخیص داد و در یک کلام، سبک یعنی انحراف از نرم و در مطالعه‌ی نرم و انحراف از آن، بودن یا نبودن یک عنصر یا چند عنصر آن‌قدر اهمیت ندارد که بسامد آن عنصر یا عناصر. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۳۸)

تعریف زرین‌کوب از سبک عبارت است از شیوه‌ی خاص در نزد هر گوینده، تعبیر صادقانه‌ای است از طرز فکر و مزاج طبع او. اگر طبع شاعر تند و سرکش باشد، سبک بیانش غالباً سریع و کوتاه می‌شود و اگر طبعی داشته باشد خیال پرور و رویایی، سبک او آکنده می‌شود از استعارات و مجازات دور و دراز. سبک نیز مثل انسان عوامل گوناگون نفسانی درهم آمیخته است نه از هم جدا. سبک هیچ شاعری تنها مبتنی بر احساس و عاطفه مجرد نیست. چنان‌که هیچ انسانی نیست که وجودش سراپا احساس باشد و عاطفه - بی‌ادراک و بی‌اراده. از این روست که سبک هر شاعری حاکی است از کیفیت توافقی که بین احوال انسانی هست. تفاوت سبک‌ها البته سببش تفاوتی است که در طبع‌هاست و درفش‌ها. رعایت مقتضای حال شرط اول برای به‌وجود آمدن سبک بدین گونه است که سبک تابعی می‌شود از اقتضای حال یعنی از معنی. (زرین‌کوب، ۱۳۴۶: ۲۰۸-۱۹۲)

تعریفی که محجوب از سبک دارد:

این‌که می‌گوید سبک عبارت است از «طرز بیان ما فی الضمیر» تعریف جامع و مانعی نیست هر چند این تعریف جنبه‌ی شخصی سبک را به اثبات می‌رساند و طبق آن هر نویسنده یا شاعری راهی

متفاوت برای بیان اندیشه‌ی خویش خواهد داشت که با دیگری متفاوت است. اما آدمی در انتخاب طرز بیان افکار و ادای آنچه در ضمیر خویش دارد؛ آزاد نیست عوامل گوناگون آزادی فرد را در این باب محدود می‌کند. انسان موجودی است اجتماعی و در جامعه‌ای که پیش از پدید آمدن او وجود داشته‌است، زیست می‌کند. بنابراین برای بیان ادراک‌ها و انفعال‌های وی، قالب‌ها و شکل‌هایی از پیش وجود دارد. آداب و رسوم، طرز استعمال و معنی‌های حقیقی و مجازی واژه‌ها، مقررات اجتماعی، پیش از فرد پدید آمده‌است و همین قالب‌ها و عوامل، نخستین ماده‌ی سبک را تشکیل می‌دهد. (محبوب، ۱۳۶۳: ۴۱-۲۹)

خطیبی در کتاب «فن نثر در ادب فارسی» عناصر اصلی متن را چنین برمی‌شمارد:

۱) کیفیت انتخاب الفاظ ۲) ترکیب جمل و عبارات ۳) ارکان زینتی ۴) مختصات لفظی و وزن و قافیه ۵) تعبیرات و ترکیبات مجازی ۵) اسلوب بیان معانی، مساوات و ایجاز ۶) بیان و معنی واحد با عبارات مختلف، تمثیلات، تشبیهات و استعارات و کنایات (ایران‌زاده، ۱۳۹۰: ۸)

مفهوم سبک در قدیم و جدید

مسئله در ذهن قدما مفهوم سبک وجود داشته‌است اما سبک‌شناسی یعنی علمی که درباره‌ی سبک بحث می‌کند مربوط به قرن اخیر است. شاعران کهن از مفهوم سبک در آثار خود با لغاتی از قبیل شیوه، طرز و رسم سخن گفته‌اند. بهار می‌گوید که واژه‌ی سبک را اول بار رضا قلی‌خان هدایت در مقدمه‌ی تذکره‌ی خود - مجمع‌الفصحاح - به کار برده‌است. شاعرانی که خود دارای اسلوب تازه بودند دقیق‌تر از دیگران به سبک اشاره کردند. آنچه در تذکره‌ها و دیوان‌های شاعران و کتب ادبی کهن به صورت پراکنده درباره‌ی سبک آمده‌است مطالبی است کم و بیش شبیه به هم که جنبه‌ی علمی ندارد، کلی و توصیفی‌اند. باید آن‌ها را در همان حوزه‌ی نقد ادبی قدیم ارزیابی کرد. حال آن‌که در سبک‌شناسی جدید باید معنای دقیق هر صفتی مشخص و برآمده از درون مایه‌های سبکی اثر باشد و به جای عبارات توصیفی حد المقذور معیارهای عینی ارائه شود. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۱۸)

تعریف سبک از نظر بهار:

سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله‌ی ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. سبک به یک اثر ادبی وجهی خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القا می‌کند و آن نیز به نوبه‌ی خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره‌ی حقیقت است.

سبک به معنی عام خود عبارت است از تحقق ادبی یک نوع ادراک در جهان که خصایص اصلی محصول خویش را مشخص می‌سازد.

سبک‌شناسی بهار بر مبنای زبان‌شناسی تاریخی نوشته شده‌است یعنی به بررسی تطور و تحول لغات در متون می‌پردازد که فقط به جنبه‌ی زبانی متون توجه دارد. (همان، ۱۳۷۴: ۱۴۷)

از نظر ما سبک همان روش خاص ادراک و بیان افکار شاعران و نویسندگان به وسیله‌ی ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر.

ویتاگرداف یکی از سبک‌شناسان روسی می‌گوید: در ادبیات کم‌تر اصطلاحی را می‌توان یافت که از مفهوم سبک ذهنی‌تر و مبهم‌تر باشد. شاعران و نویسندگان و محققان ادبی در طول زمان تعریف‌های مختلفی از سبک به دست آورده‌اند و یا در مورد سبک اظهارنظرهایی کرده‌اند که هر کدام ناظر به حقایق و تجربیاتی است. همه یا قریب به اکثر آن‌ها را می‌توان تحت سه عنوان کلی طبقه‌بندی کرد. (۱) نگرش خاص (۲) گزینش (۳) عدول از هنجار (همان، ۱۳۷۴، ۱۵)

در سبک‌شناسی وقتی واژه‌ی سبک به کار می‌رود، مقصود از آن ممکن است یکی از موارد زیر باشد:

(۱) سبک دوره

(۲) سبک شخصی

(۳) سبک ادبی (همان، ۱۳۷۴: ۶۹)

مکتب های متفاوتی در سبک‌شناسی وجود دارد از قبیل:

سبک‌شناسی توصیفی - سبک‌شناسی تکوینی - سبک‌شناسی نقش‌گرا - سبک‌شناسی ساخت‌گرا
(همان، ۱۳۷۴: ۱۱۸)

سبک‌شناسی نقش‌گرا در این پایان‌نامه حائز اهمیت است.

جفری لیچ تفاوت نقش‌گرایی و فرمالیسم را به روشنی بیان کرده‌است: نقش‌گرایی (در بررسی زبان) رویکردی است که می‌کوشد تا زبان را نه تنها در درون خود و به‌طور ذاتی و برحسب امکانات صورتی‌اش توضیح دهد، بلکه در تلاش است تا رابطه‌اش را با نظام‌های بزرگ‌تری که آن را در خود گرفته‌اند نیز به مطالعه بگیرد. خواه این نظام‌های بزرگ‌تر را فرهنگ بنامیم خواه نظام‌های اجتماعی یا نظام‌های اعتقادی یا چیزی دیگر. خلاصه آن که مطالعات نقش‌گرایی به جست‌وجوی رابطه‌ی میان زبان و آنچه زبان نیست می‌پردازد. در حالی‌که فرمالیسم در پی بررسی روابط میان عناصر زبانی متن با یکدیگر است. روی‌کرد نقش‌گرا تحلیل شکل‌های بلندتر سخن را فراهم کرد. روش‌های زبان‌شناسی نقش‌گرایی نظام‌مند، سبک‌شناس را قادر می‌سازد تا زبان را فراتر از جمله و در سطح متن تحلیل کند.
(فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۴۸-۱۴۷)

با برآمدن جنبش فرمالیسم در روسیه سبک‌شناسی جان تازه‌ای گرفت. زبان‌شناسان روس چند مفهوم را ابداع کردند که سخت توجه سبک‌شناسی را به خود جلب کرد از جمله «ادبیت»، «آشنایی‌زدایی»، «برجسته‌سازی»، «هنجارگریزی» و... که به تدریج سبک‌شناسان صورت‌گرا این مفاهیم را جزو عناصر ذاتی در تعریف سبک دانستند و رده‌بندی و تحلیل سبک‌ها را بر پایه‌ی این مفاهیم قرار دادند. در تعریف آن‌ها سبک عبارت است از «گزینش هر شخص از زبان» یا «هنجارگریزی و انحراف از معیار». شکل‌گیری سبک، حاصل گرایش‌گوینده یا نویسنده به استمرار انتخاب برخی ساخت‌های زبان است؛ یعنی تکرار و تداوم گزینش‌های زبانی خاص در یک بافت مشخص. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۴۴)

در این پایان‌نامه بیش‌تر از نظر فرمالیست‌ها بهره می‌بریم. و عوامل برجسته‌ساز و هنجارگریز را در متن انوار سهیلی بررسی می‌کنیم.

ارزش سبک‌شناسی

شناخت سبک، آگاهی‌های زیادی درباره‌ی شخصیت، دانش، اندیشه، عقاید و رفتارهای زبانی یک شخص به ما می‌دهد. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۹۳)

سبک‌شناسی، موفق‌ترین عملکرد خود را در قلمرو سبک‌های فردی تجربه می‌کند و دقیق‌ترین اطلاعات مربوط به مؤلف و فردیت، عقیده، ذهنیت، احساسات، عواطف و باورهای او را در اختیار پژوهش‌گران نقد ادبی، تاریخ ادبیات، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی قرار می‌دهد. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۹۴)

برای این‌که بتوانیم متنی را به لحاظ سبک‌شناسی تجزیه و تحلیل کنیم باید متن را از سه دیدگاه زبان، فکر، ادبیات مورد دقت قرار دهیم. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۵۳)

سطح زبانی = به سه سطح آوایی و لغوی و نحوی تقسیم می‌شود.

سطح فکری = اثر از لحاظ درونگرا و برونگرایی مورد بررسی قرار می‌گیرد برای مثال: شادی گراست یا غم‌گرا؟

سطح ادبی = توجه به بسامد لغاتی که در معانی ثانویه (مجاز) به کار رفته‌اند.

سبک هر سخن بر اساس فراوانی کاربرد آرایه‌های بلاغی، سرشت صوری و محتوایی ویژه‌ای پیدا می‌کند. مثلاً فراوانی کاربرد تشبیه در یک متن، سبک تشبیهی را شکل می‌دهد. بسامد بالای استعاره، سبک استعاری را رقم می‌زند. بر این پایه می‌توان گفت شگردهای بلاغی به‌کار رفته در سخن را بازشناسی کرد و مبنایی برای نام‌گذاری سبک‌ها قرار داد. سبک‌ها را بر اساس نوع صناعات می‌توان با صفاتی مانند ایهامی، تشبیهی، مجازی، کنایی، استعاری، تمثیلی، نمادین، معماپرداز، آبرونیک و متناقض‌نما نام‌گذاری نمود. هر یک از آرایه‌های بلاغی به نوبه‌ی خود گونه‌های مختلفی دارد که سرشت و ماهیت صوری و محتوایی سبک را متمایز می‌کند؛ مثلاً دو شاعر که استعاره‌گرایند سبک یکسانی ندارند بلکه تفاوت‌های جزئی‌تری در استعاره‌پردازی آن‌هاست. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۰۴)

سبک‌شناسی در دو حوزه بررسی می‌شود. (۱) سبک‌شناسی نظم (۲) سبک‌شناسی نثر

به دلیل موضوع پایان نامه سبک‌شناسی نثر مورد توجه قرار می‌گیرد. از سبک‌شناسی نظم فاصله می‌گیریم.

دوره های سبکی را از چند دیدگاه می‌توان بررسی کرد:

مثلاً از دیدگاه تاریخی، بر حسب توالی قرون، عبارت است از

۱) نثر مرسل (قرن ۳-۴ و اوایل قرن ۵) نثر بی‌تکلف و غیرمقید به صنایع ادبی و فنون تزئینی کلام که به سبک خراسانی، سبک بلعمی و سبک دوره ی اول مشهور است.

۲) نثر بینابین (اواخر قرن ۵ و اوایل قرن ۶) نثری بین نثر مرسل و نثر فنی است.

۳) نثر فنی (قرن ۶)

۴) نثر مصنوع یا صنعتی (قرن ۷)

۵) نثر صنعتی و نثر ساده (قرن ۸)

۶) نثر ساده (قرن ۹ تا اوایل قرن ۱۰)

۷) نثر ساده‌ی معیوب (قرن ۱۰ تا اواسط قرن ۱۲)

۸) نثر قائم مقام و تجدید حیات (نثر دوره ی قاجار)

۹) نثر مردمی دوره‌ی مشروطه (نثر روزنامه)

۱۰) نثر جدید (رمان و دانشگاهی)

که این تقسیم‌بندی بیش‌تر از دید تاریخ ادبیات است. (شمیسا، ۱۳۷۷: ۱۳)

انوار سهیلی تهذیب و بازنویسی کلیله و دمنه است. به دلیل این‌که کلیله و دمنه به نثر فنی نگاشته شده پس بهتر است اول با مختصات و خود نثر فنی آشنا شویم.

قرن ششم دوره‌ی نثر فنی است آغازگر این سبک نصرالله منشی است. نثر فنی نثری است که می‌خواهد تشبیه به شعر کند، نثری است شعروار که مخیل است سرشار از صنایع ادبی است. و صاف

الحضره در تاريخ خود صريحاً اظهار مي‌دارد كه هدف او فقط انتقال پيام نيست بلكه بيش تر درصد هنر نمايي است.

نثر فني نيز انواع مختلفي دارد: نثر فني تمثيلي (كليله و دمنه - مرزبان نامه)، ترسل و منشآت، مقامات، نثر فني تاريخي (تاريخ و صاف) (شميسا، ۱۳۷۷: ۷۶)

از مهم ترين خصيصه‌ي نثر فني وجود لغات عربي و استفاده از اين لغات در متون فارسي است. ديدگاه‌هايي كه در مورد نثر فني وجود دارد عبارت است:

ديدگاه اول: گروه‌ي كه نثر فني را عالي ترين نوع نثر مي دانند، گروه فضلا هستند.

ديدگاه دوم: از ديدگاه زبان فارسي كه معتقدند پدران بزرگوار ما از طريق نثر فني بزرگ ترين ضربات را بر پيكر زبان فارسي وارد كردند.

مرحوم كريم كشاورز مؤلف هزار سال نثر فارسي مي نويسد: « و به تدريج چون سروكار نويسندگان و شاعران با سلاطين و دربارياني مانند غزنويان و سلجوقيان كه فارسي زبان مادريشان نبود و روح زبان را درك نمي كردند، افتاد. اندك اندك تعبيرهاي نامأنوس و تكلف‌هاي بي مزه و خنك وارد نوشته‌هاي خويش كردند.»

امروزه نثر فني را بايد نثري دانست كه فقط مورد مطالعه‌ي دانشجويان ادبيات و عده‌ي خاصي از فضلاست. (شميسا، ۱۳۷۷: ۷۹)

نگاه اجمالي به نگارنده‌ي كتاب

در سده‌ي نهم هجري مولانا حسين بن علي بيهقي سبزواري به اشاره‌ي نظام الدوله والدين امير شيخ احمد معروف به سهيلي كه وزير و امير سلطان كمال الدين حسين بن منصور بايقرا ابن عمر شيخ گوركاني - فوت ۹۱۱ق - به قول خود - به تهذيب متن فارسي كليله و دمنه پرداخت. و دگرگوني‌هاي به نسبت فراوان در آن پديد آورد. به گفتار سيلوستر دوساسي «دو تغيير از همه مهم تر است: نخستين تغيير عظيم عوض كردن نام كتاب است. هيچ يك از مترجمان فارسي و عربي، پيش از حسين واعظ، نام كتاب

را تغییر نداده بودند. این کتاب از روز ترجمه شدن به پهلوی، یا در حقیقت تألیف آن بدین زبان، تا روزگار ملا حسین کاشفی به کلیله و دمنه موسوم بوده است. در صورتی که حسین کاشفی تهذیب تازه‌ی خود را انوار سهیلی نام نهاد. تغییر دیگر حذف مقدمه‌های گوناگونی است که در ترجمه‌های ابن مقفع و نسخه‌ی فارسی ابوالمعالی نصرالله دیده می‌شود. ملا حسین واعظ به جای آن، مقدمه‌ای بلند با اسلوبی همانند شیوه‌ی متن کتاب خود نگاشته و به حکایات اخلاقی و تمثلات فراوان آراست. (کاشفی، ۱۳۸۸: ۲۴)

بررسی نمونه‌ای از حکایت انوار سهیلی در سطح ادبی و فکری و زبانی:

به عنوان مثال:

سطح ادبی: بسامد لغاتی که در معانی ثانویه به کار رفته‌اند. مسائل علم بیان از قبیل تشبیه، استعاره، سمبل و کنایه و... مسائل علم معانی از قبیل ایجاز و اطناب و... مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سطح فکری: در سطح فکری، افکار درونی شاعر، احساسات وی و دیدگاه او نسبت به مسائل پیرامون و پیام اخلاقی و تعلیمی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سطح زبانی: استعمال لغات پهلوی، استعمال لغات عربی، تلفظ‌های قدیمی، صامت میانجی، فعل امر بدون «ب»، آوردن «ب» بر سر فعل ماضی، استعمال افعال پیشوندی، ایجاز و ترتیب ارکان جمله مورد توجه قرار می‌گیرد.

هر چند بررسی تک تک این موارد کاری دشوار است ولی ما در حد توان علمی خود به بررسی اغلب این موارد می‌پردازیم و با ارائه‌ی شاهد مثال تلاش می‌کنیم به نتیجه‌ی مطلوب برسیم و به سبک شخصی نویسنده‌ی کتاب دست یابیم و مهم‌ترین ممیزه‌های نثر او را مشخص کنیم.

حکایت

دمنه گفت: آورده‌اند که زاغی در کمر کوهی خانه گرفته بود و در شکاف سنگی آشیانه ساخته، و در حوالی آن سوراخ ماری بود که آب دهانش زهر هلاک و ممات بودی، و لعاب بن دندان‌ش مبطل مزاج

بقا و حیات. هرگاه که زاغ بیچه نهادی، ماربخوردی، و جگر زاغ از آن واسطه به داغ فراق فرزند سوختی. چون ستمگاری مار از حد گذشت زاغ درمانده، شکایت آن حال با شغالی که دوست او بود در میان آورد و گفت: می‌اندیشم که خود را از بلای مار و جفای این ظالم جان شکار باز رهانم، شغال پرسید که به چه طریق قدم در این مهم خواهی نهاد، و به چه شیوه دفع مضرت او خواهی کرد؟ زاغ گفت: می‌خواهم که چون مار در خواب رود، به منقار خونخوار چشم جهان بینش برکنم تا دیگر قصد قره العین من نکند، و فرزندی که نور دیده‌ی من است از شر او ایمن باشد. شغال گفت: این تدبیر از صوب صواب محرف است، چه خردمند را قصد دشمن بر وجهی باید کرد که در آن خطر جان نباشد. زینهار از این فکر بگذر که تا چون ماهی خوار، خوار نگردی که در هلاک خرچنگ سعی کرد، و جان عزیز به باد داد. (روشن، ۱۳۸۸: ۱۴۱)

سطح فکری: متن برونگرا و عینی است. با بیرون و سطح پدیده‌ها تماس دارد. نویسنده احساسات خاصی اعم از مذهبی و ملی‌گرایانه را تبلیغ نمی‌کند. پیام اخلاقی و تعلیمی را منتقل می‌کند. پیام حکایت، پیامی آموزنده است. در آن تلاشی برای دفع دشمن صورت گرفته است. حیوانات حکایت تلاش برای بقای خود می‌کنند. در حکایت‌های متن پیوسته دو شخصیت «قهرمان» و «ضد قهرمان» وجود دارد. اغلب حکایت‌ها به نتایج اخلاقی و گاهی اجتماعی و پندوانداز متهمی می‌شوند.

سطح ادبی: از زبان حیوانات نقل شده است (فابل). صنایع ادبی مثل سجع، جناس، کنایه، تشخیص، تشبیه و... در متن کاربرد زیادی دارد.

به عنوان مثال:

کنایه (جان عزیز به باد داد)، تشخیص (زاغ گفت)، تشبیه (زینهار از این فکر بگذر که تا چون ماهی خوار، خوار نگردی)، جناس (ماهی خوار - خوار) (صوب - صواب) سجع (خانه ساخته - آشیانه گرفته)

سطح زبانی: در این بخش، فقط قسمت نحو مورد بررسی قرار می‌گیرد. زیرا بررسی تک تک موارد کاری دشوار است. و ما در حد بضاعت و توان علمی خود به بررسی سطح نحوی می‌پردازیم.

کثرت لغات عربی و شیوه‌ی جمله‌بندی عربی (تقدم فعل بر فاعل) در این اثر بیش‌تر دیده می‌شود.

در متن حذف افعال به قرینه صورت گرفته‌است.

صرفه‌جویی در آوردن «را»

فعل ماضی با «ب» آغازی آمده مانند: بخوردی

وجوه کهن ماضی استمراری به‌چشم می‌خورد. مانند: سوختی

افعال به‌صورت پیشوندی آمده‌است. (بازرهانم، برکنم)

فعل امر با «ب» به‌کاررفته‌است. مانند: بگذر

جمله‌بندی کوتاه است.

هم‌چنین به بررسی ویژگی‌های داستانی اثر می‌پردازیم. اعم از: شیوه‌ی روایت، پیام داستان،

شخصیت و طرز بیان.

شخصیت‌ها: زاغ، ماهی خوار، شغال، مار، خرچنگ

طرز بیان جدی و در قالب حکایت است.

پیام داستان: اخلاقی و تعلیمی

شیوه‌ی روایت: در قالب حکایت به‌صورت مناظره بین دو جاندار.

۱-۲- سؤال (سؤال‌های) پژوهش:

مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی انوار سهیلی چیست؟

از بین عوامل برجسته‌ساز و آشنای‌دای کاربرد کدام صورخیال در متن بیش‌تر است؟

۱-۳- هدف (اهداف) پژوهش: سبک‌شناسی انوار سهیلی از جهت ادبی و فکری مورد

بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴- ضرورت و اهمیت پژوهش: سبک‌شناسی دانش نوینی است که امروزه اهمیت خاصی

دارد. با توجه به این‌که واعظ کاشفی از جمله نویسندگان ناآشنا در عرصه‌ی ادب فارسی است. اجرای پژوهشی به منظور شناخت بیش‌تر این نویسنده و سبک‌شناسی کتاب او ضروری می‌نماید.

۱-۵- پیشینه‌ی پژوهش: با توجه به این‌که کتاب انوار سهیلی در ایران معروفیت چندانی ندارد

این پژوهش کار تازه‌ای است. پژوهش‌های انجام شده یا به‌صورت مقایسه‌ای کار شده نظیر پژوهش فاطمه غلامی در زمستان ۹۲ با موضوع مقایسه‌ی ساختار دستوری کلیله و دمنه با انوار سهیلی. یا در پژوهش مریم پور علم از دانشگاه قم که به مقایسه‌ی بن‌مایه‌های اخلاقی در کتاب انوار سهیلی و مرزبان‌نامه پرداخته و پژوهش‌های دیگر که به‌صورت تطبیقی کار شده‌اند. مانند: تصحیح علمی انتقادی عیار دانش و بررسی تطبیقی آن با کلیله و دمنه نصرالله منشی و انوار سهیلی ملا حسین واعظ کاشفی از حیث مضمون و ساختار به همراه مقدمه و تعلیمات ضروری که توسط مهدی هادی برای دکتری تخصصی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کار شده یا بررسی تطبیقی کلیله و دمنه ابن مقفع و انوار سهیلی واعظ کاشفی توسط سمیرا بهادر در سال ۹۳ از دانشگاه تربیت معلم سبزوار کار شده و پژوهش دیگر داستان‌پردازی تطبیقی کلیله و دمنه‌ی نصرالله منشی، داستان بید پای و انوار سهیلی توسط خالقیان در سال ۸۷ با هدف داستان‌پردازی تطبیقی کار شده‌است. همان‌طور که می‌بینیم در پژوهش‌های کار شده، انوار سهیلی همراه با کتب دیگر مورد بررسی قرار گرفته‌است. پژوهش ریحانه حسینی در سال ۹۳ با موضوع اخلاقیات در انوار سهیلی با تکیه بر اخلاق ناصری از دانشگاه اصفهان و یا آداب سخن و سکوت در حکایات تعلیمی کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه و انوار سهیلی توسط شاهی در سال ۹۵ و یا پژوهش مهدیه سلیم زاده با موضوع کنش کلامی و دگردیسی در ساختار روایت کلیله و دمنه و انوار سهیلی. موضوع پایان‌نامه‌ی من بررسی سبک‌شناسی کتاب انوار سهیلی است در حالی‌که کتاب و رساله‌های ذکر شده تکیه بر مقایسه‌ی دو کتاب است.

۱-۶- مواد (داده‌ها) و روش پژوهش: از نوع کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی تحلیل محتوا صورت

می‌گیرد. جامع آماری کتاب انوار سهیلی است.

۷-۱- وسایل و ابزار مورد نیاز برای انجام پژوهش: کتابخانه مرکزی اردبیل - کتابخانه

محقق اردبیلی - اینترنت

۸-۱- مدت اجرای پژوهش: از زمان تصویب به مدت ۱۲ ماه

۹-۱- مؤسسات آموزشی و پژوهشی همکاری کننده: دانشگاه محقق اردبیلی

۱۰-۱- محل اجرای پژوهش (بخش عملی پژوهش): دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

فصل دوم

مبانی نظری تحقیق

۲-۱- تعریف سبک

معنای لغوی سبک: واژه‌ی سبک عربی است، از ریشه‌ی «سبک» به معنی «ذوب کردن و در قالب ریختن» (فراهیدی، ۱۷۰ق؛ ابن منظور افریقی، ۷۱۱ق: ذیل سبک). زمخشری (۵۳۸ ق: ۲۱۱) سبک را به معنی پاک کردن نقره از ناخالصی آورده است. سابقه‌ی کاربرد اصطلاح سبک در زبان عربی به قرن سوم هجری در آثار جاحظ و ابوهلال عسکری می‌رسد. جاحظ (د ۲۵۰۰ق) در آثارش سبک را مکرراً با صفات نیک و زیبا همراه آورده است. در ادب فارسی و عربی تعبیرهای «طرز، اسلوب، روش، سیاق و نمط»، مترادف سبک به کار رفته‌اند. در زبان فارسی اصطلاح سبک شناسی را نخستین بار محمد تقی بهار برای عنوان کتاب خود سبک شناسی نثر (۱۳۳۰ش) به کار برد. در زبان‌های لاتین «استیل» به معنی سبک از ریشه‌ی ستیلوس است که قلمی نوک تیز بوده و با آن حروف را روی صفحه‌های سخت می‌تراشیدند. بعدها این واژه به طور مجازی به روش خاص شکل دادن به حروف در نوشتار تعبیر شده است. سبک در معنی عام و در متداول‌ترین و رایج‌ترین مفهوم، عبارت است از «شیوه‌ی خاص انجام یک کار» مثلاً مردم پوشیدن لباس یا خوردن غذا را به شیوه‌های مختلفی انجام می‌دهند. ممکن است کسی لقمه را در دهان چندین بار بجود و یکی دیگر لقمه را ببلعد. تند جویدن غذا در مقایسه با آرام جویدن یک سبک متفاوت است. بلعیدن در قیاس با این دو شیوه، سبک سومی از غذا خوردن است. برای انجام هر کدام از رفتارهای انسانی سبک‌ها و شیوه‌های گوناگونی وجود دارد. سپس سبک، شیوه‌ی اجرای یک کار است. به دشواری می‌توان در رفتارهای نوع بشر، رفتاری یافت که تمام انسان‌ها در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها آن را به روش واحد انجام دهند. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۴)

معنای اصطلاحی سبک: اصطلاح سبک که در زبان شناسی و ادبیات بر شیوه‌ی رفتارهای زبانی افراد اطلاق می‌شود، از دیرباز دگرگونی معنای قابل توجهی داشته‌است. سخن گفتن، یک رفتار زبانی است که بنا به موقعیت اجتماعی، سن و جنسیت افراد، به گونه‌های مختلف انجام می‌پذیرد. در تعریف زبان شناسان سبک عبارت است از «شیوه‌ی کاربرد زبان در یک بافت معین، به وسیله‌ی شخص معین، برای هدفی مشخص» (لیچ، ۱۹۸۱: ۱۰).

سبک شناسان برای بیان ماهیت سبک چند مفهوم بنیادین را در کانون نگاه خود قرار داده‌اند. هر گروه در تعریف سبک به یکی از آن مفاهیم بیش‌تر توجه داشته‌اند. این مفاهیم عبارت‌اند از گزینش از زبان، خروج از زبان معیار، تکرار و تداوم، گونه‌ی کاربردی زبان، موقعیت گفتار و فردیت. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۳)

سبک‌شناسی علم یا نظامی است که از سبک بحث می‌کند. به طور کلی می‌توان گفت که سبک وحدتی است که در آثار کسی به چشم می‌خورد. یک روح یا ویژگی یا ویژگی‌های مشترک و متکرر در آثار کسی است. به عبارت دیگر این وحدت منبث از تکرار عوامل یا مختصات است که در آثار کسی هست و توجه خواننده‌ی دقیق و کنجکاو را جلب می‌کند. برخی از این عوامل یا مختصات سبک‌ساز نسبتاً آشکار باشند اما معمولاً و غالباً پنهان و پوشیده‌اند. مثلاً آن زمینه‌ی مشترکی که کم و بیش در همه‌ی آثار سعدی دیده می‌شود چیست؟ زمینه‌ی مشترک یا وحدت یعنی سبک فقط منوط به عوامل لفظی (زبانی) نیست بلکه در تفکر و بینش هم تکرار عوامل و عناصر اندیشگی حضور دارد. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۳)

سبک‌شناسی از جمله علوم ادبی است که امروزه اهمیت خاصی دارد. در بحث از سبک شعری که به مرور زمان به وجود می‌آید، عوامل زیادی از قبیل دلایل اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، سیاسی و اقتصادی و... سهم‌اند. می‌توان گفت هر سبک شعری، ویژگی‌های خاص خود را دارد. که با گذشت زمان رشد کرده، در میان شاعران آن سبک رواج پیدا می‌کند. (طاهری روشنی، ۱۳۹۰: ۲)

بررسی سبکی هر اثری، یکی از ابزارهای مهم در تعیین شاخصه‌های زبانی، ادبی و فکری آن اثر است که با داده‌های دقیق آماری، جایگاه و اهمیت نوشته را بیش از پیش روشن‌تر می‌کند. در واقع تبیین سبک نوشتاری بر اساس داده‌های آماری، نشان دهنده‌ی زیرساخت و روساخت هنر صاحب سبک و اثبات‌کننده‌ی ویژگی‌های برجسته‌ی نوشته‌است. (طایفی و کمالخانی، ۲۰۹:۱۳۹۰)

تعاریف متعددی در مورد سبک ارائه شده‌است:

۲-۲- دیدگاه پژوهشگران درباره‌ی سبک

از دیدگاه پورنامداریان عناصر اصلی در تحلیل یک متن ادبی عبارت است از: (۱) جنبه‌های بلاغی (۲) جنبه‌های موسیقایی و آوایی (۳) جنبه‌های صرفی و واژگان (۴) جنبه‌های نحوی (۵) ساختمان شعر. پورنامداریان شعر شاملو را از جهت عاطفه، تخیل، زبان، موسیقی و وزن، ساختمان شعر و جنبه‌های بلاغی بررسی کرده‌است و در کتاب «خانه‌ام ابری است» بیش‌تر بر ویژگی‌های زبانی و واژگانی شعر نیما تاکید کرده‌است. (ایران‌زاده، ۱۴:۱۳۹۰)

از دیدگاه شفيعی کدکنی هیچ سبکی را از طریق مقایسه‌ی نرم و درجه‌ی انحراف آن از نرم نمی‌توان تشخیص داد و در یک کلام، سبک یعنی انحراف از نرم و در مطالعه‌ی نرم و انحراف از آن، بودن یا نبودن یک عنصر با چند عنصر آن قدر اهمیت ندارد که بسامد آن عنصر یا عناصر. (شفيعی کدکنی، ۳۸:۱۳۶۶)

تعریف زرین‌کوب از سبک عبارت است از شیوه‌ی خاص در نزد هر گوینده، تعبیر صادقانه‌ای است از طرز فکر و مزاج طبع او. اگر طبع شاعر تند و سرکش باشد، سبک بیانش غالباً سریع و کوتاه می‌شود و اگر طبعی داشته‌باشد خیال‌پرور و رؤیایی، سبک او آکنده می‌شود از استعارات و مجازات دور و دراز. سبک نیز مثل انسان عوامل گوناگون نفسانی در هم آمیخته‌است نه از هم جدا. سبک هیچ شاعری تنها مبتنی بر احساس و عاطفه مجرد نیست. چنان‌که هیچ انسانی نیست که وجودش سراپا احساس باشد و عاطفه - بی‌ادراک و بی‌اراده - از این روست که سبک هر شاعری حاکی است از کیفیت توافقی که بین

احوال انسانی هست. تفاوت سبک‌ها البته سببش تفاوتی است که در طبع‌هاست و درفش‌ها. رعایت مقتضای حال شرط اول برای به وجود آمدن سبک بدین‌گونه است که سبک تابعی می‌شود از اقتضای حال یعنی از معنی. (زرین‌کوب، ۱۳۴۶: ۲۰۸-۱۹۲)

تعریفی که محبوب از سبک دارد: این‌که می‌گوید سبک عبارت است از «طرز بیان ما فی‌الضمیر» تعریف جامع و مانعی نیست هرچند این تعریف جنبه‌ی شخصی سبک را به اثبات می‌رساند و طبق آن هر نویسنده یا شاعری راهی متفاوت برای بیان اندیشه‌ی خویش خواهد داشت که با دیگری متفاوت است. اما آدمی در انتخاب طرز بیان افکار و ادای آنچه در ضمیر خویش دارد؛ آزاد نیست عوامل گوناگون آزادی فرد را در این باب محدود می‌کند. انسان موجودی است اجتماعی و در جامعه‌ای که پیش از پدید آمدن او وجود داشته‌است، زیست می‌کند. بنابراین برای بیان ادراک‌ها و انفعال‌های وی، قالب‌ها و شکل‌هایی از پیش وجود دارد. آداب و رسوم، طرز استعمال و معنی‌های حقیقی و مجازی واژه‌ها، مقررات اجتماعی، پیش از فرد پدید آمده‌است و همین قالب‌ها و عوامل، نخستین ماده‌ی سبک را تشکیل می‌دهد. (محبوب، ۱۳۶۳: ۴۱-۲۹)

سبک‌شناسی از میان گونه‌های کاربرد زبان، بیش از همه به زبان در ادبیات توجه نشان می‌دهد و بخش عمده‌ی پژوهش‌ها در این شاخه‌ی مطالعاتی بر شناسایی سبک‌های ادبی، زبان شخصی و فردیت خلاق مؤلف متمرکز است. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۶۵)

میستریک سبک‌شناسی چک: «سبک‌شناسی عبارت است از بررسی گزینش‌ها و روش‌های استفاده از زبان‌شناسی، فرا زبان و شگردهای شناخت زیبایی‌ها، صناعات و شگردهای خاصی که در ارتباط کلامی به‌کار می‌رود.» (Mistrik، ۱۹۸۵)

پیتر وردانک: «سبک‌شناسی، دانش بررسی سبک است و می‌توان چنین تعریفش کرد: تحلیل بیان‌های متمایز در زبان و توصیف اهداف و تأثیرات آن» (Verdonk، ۲۰۰۲: ۴)

پل سیپمسون سبک‌شناس بریتانیایی: «سبک‌شناسی روشی از تفسیر متن است که در آن به زبان اهمیت بیش‌تری داده می‌شود» (Simpson، ۲۰۰۴: ۴)

۲-۳- ارزش سبک شناسی

شناخت سبک، آگاهی‌های زیادی درباره‌ی شخصیت، دانش، اندیشه، عقاید و رفتارهای زبانی یک شخص به ما می‌دهد. از این رو سبک‌شناس به طور کلی برای کسانی که با کاوش‌گری در رفتارهای زبانی افراد سروکار دارند، کارآمد است.

سبک‌شناسی در دهه‌ی هشتاد و نود روی در افول داشت اما هنگامی که با قلمروهای نوین زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی پیوند خورد جذابیت آن افزایش یافت و توانست پیشرفت‌های نوین علمی در نظریه‌ی ادبی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی شناختی، زبان‌شناسی کاربردی و جامعه‌شناسی زبان را به طور اصولی به کار بندد. سبک‌شناسی در خانواده‌ی دانش‌های ادبی و زبانی، نقش میان‌دار را دارد. اگر قرار باشد دانش‌های ادبی باهم در یک نظام هم‌سو کارکنند، سبک‌شناسی حلقه‌ی پیوند آن‌هاست. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۹۴)

۲-۴- رویکردهای سبک شناسی

در خلال چهل سال اخیر محققان رویکردهای زیادی را در سبک‌شناسی معرفی کرده‌اند. در دو کتاب خواننده‌ی سبک‌شناس از یاکوبسون تا زمان حاضر (۱۹۹۶م.)، ویراسته‌ی جان ژاک وبر و گرایش‌های رایج در سبک‌شناسی (۱۹۷۲م.) ویراسته‌ی کچرو و اشتالک برخی از این رویکردها معرفی شده‌است. رویکردهای مشهور سبک‌شناسی را در چهار دسته عمده به شرح زیر می‌توان جای داد:

الف) رویکردهای سنتی:

سبک‌شناسی شمی، عاطفی، بیانی، تکوینی، تفسیری، ارزشی، آموزشی، آموزشی

ب) رویکردهای زبان‌شناسانه

سبک‌شناسی تاریخی، صورت‌گرا، ساخت‌گرا، نقش‌گرا، سبک‌شناسی گفتمان، کاربردی،

شناختی (یا سبک‌شناسی خواندن)

ج) رویکردهای آماری

سبک‌شناسی آماری، سبک‌سنجی، سبک‌شناسی پیکره‌ای

د) رویکردهای فرهنگی-اجتماعی

سبک‌شناسی اجتماعی، فمینیستی، انتقادی، بنیادگرا، چند رسانه‌ای، سبک‌شناسی دریافت

رویکردهای تأثیری و سنتی: رویکردهای سنتی را به مجموعه‌ای از روش‌های سبک‌شناسی اطلاق می‌کنیم که در آن‌ها عامل ذوق و احساس، دریافت شهودی و شم شخصی دخالت دارد و سبک‌شناس کم‌تر به جانب عینیت‌گرایی و روش‌های اثباتی یا بهره‌گیری از مبانی و روش‌های دیگر رشته‌ها می‌گراید. رویکردهای زبان‌شناسانه: بیش‌تر فعالیت‌های روشن فکری در مغرب زمین قرن بیستم، به نوعی همراه با دغدغه‌ی میل به وضوح و قطعیت همراه بوده‌است. «قطعیت در این مفهوم عبارت است از به کارگیری دیدگاه عینی و صوری روش‌های علوم تجربی». در مطالعات زبان این قطعیت، در آغاز این گرایش نظری پدید آورد که چنین استدلال می‌کرد که ساخت‌های زبانی، از درون فرد، تحت تأثیر قواعد دستوری قرار دارند که وی در زبان آموخته و از بیرون نیز تحت تأثیر نیروهای فرهنگی و اجتماعی هستند. عامل نخست، درونی (روان‌شناسیک) و عامل دوم بیرونی (جامعه‌شناسیک) است. تنش و تجاذب میان این دو عامل سبب شد که مطالعات زبان به دو قطب متقابل فرمالیستی و نقش‌گرا تقسیم شود و دو رویکرد جداگانه و علمی در روش‌های سبک‌شناسی را به دنبال خود بیاورد. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۲۵)

۲-۵- سبک‌شناسی صورت‌گرا

با برآمدن جنبش فرمالیسم در روسیه سبک‌شناسی جان تازه‌ای گرفت. زبان‌شناسان روس چند مفهوم را ابداع کردند که سخت توجه سبک‌شناسی را به خود جلب کرد از جمله «ادبیت»، «آشنازدایی»، «برجسته سازی»، «هنجارگریزی» و... که به تدریج سبک‌شناسان صورت‌گرا این مفاهیم را جزو عناصر ذاتی در تعریف سبک دانستند. رده‌بندی و تحلیل سبک‌ها بر پایه‌ی این مفاهیم قرار دادند. در تعریف

آن‌ها سبک عبارت است از «گزینش هر شخص از زبان» یا «هنجارگریزی و انحراف از معیار». شکل گیری سبک، حاصل گرایش گوینده یا نویسنده به استمرار انتخاب برخی ساخت‌های زبان است؛ یعنی تداوم و تکرار گزینش‌های زبانی خاص در یک بافت مشخص. تعریف سبک بر پایه‌ی هنجارگریزی، ریشه در نظریات یان موکارفسکی، زبان‌شناس و منتقد برجسته‌ی ادبی دهه‌ی ۱۹۳۰ در پراگ دارد. ادبیت زبان، حاصل انحراف از هنجارهای زبان معیار است. آشنایی‌زدایی و برجسته‌سازی در زبان ادبی از رهگذر همین انحراف از هنجارهای زبان عادی حاصل می‌آید. موکارفسکی، جوهر سبک را در «برجسته‌سازی»، جلب توجه و نو کردن بیان می‌داند. در دوران فرمالیسم سبک‌شناسی به زبان‌شناسی و بوطیقای ادبی توجه داشت و بر زبان شعر، ادبیت و عوامل صوری و زبانی آن بیش‌تر تمرکز می‌کرد. از این رو از اهمیت عوامل بافتی متن‌ها مثل بافت‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، کاربردی غفلت داشت.

سبک‌شناسی فرمالیستی که با نام رومن یا کوبسون منتقد و زبان‌شناس مشهور شناخته می‌شود بر صورت‌های زبانی متن تمرکز می‌کند و چندان توجهی به نسبت میان عوامل صورت با محتوای کل متن ندارد. این رویکرد را سبک‌شناسی متن‌گرا، نیز گفته‌اند. بنیاد کار این رویکرد بر تمایزی نهاده‌شده که فرمالیست‌ها میان ادبیات و زبان قائل بودند. کشف و توصیف تمهیداتی که به متن «ادبیت» می‌بخشد از اهداف مهم فرمالیست‌هاست. بنابراین توصیف هنجارگریزی، شناسایی برجسته‌سازی‌ها، تمهیدات زبانی، شگردهای هنری زبان و کشف عنصر سبک‌سازی که بر متن مسلط باشد، بیش از هر چیز نگاه سبک‌شناس فرمالیست را به خود جلب می‌کند. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۴۴)

۲-۶- سبک‌شناسی ساختاری

سبک‌شناسی ساختاری در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ میلادی در کار کسانی مانند پی‌یر گویراود (۱۹۷۰) و آخمانوف (۱۹۷۶) و تالبوت تیلور (۱۹۸۰) رواج یافت. این رویکرد متأثر از دیدگاه‌های ساختارگرای قرن بیستم است و بر این اصل بنیاد نهاده‌شده که عناصر زبانی و سازه‌های متنی مجموعاً، در یک نظام پویا و از رهگذر ارتباط‌های متقابل با هم باید بررسی شوند. هر سازه‌ی زبانی در رابطه با دیگر سازه‌ها ارزش‌های متقابل و متضاد پیدا می‌کند. سبک‌شناسی ساختاری اثر را هم‌چون شیء

سربسته‌ای می‌نگرد و سبک‌شناس را به بررسی درونی سازه‌های آن فرا می‌خواند. در این روش گرچه جنبه‌ی معنایی و دلالتی اثر مورد توجه است لیکن معنا و محتوا و تفسیر، امری فرعی است. هدف سبک‌شناسی ساخت‌گرا آن است که از شکل و ساخت به معنای پیام برسد. ساخت عبارت است از ارتباط‌های منطقی و معنادار اجزای کلام با یکدیگر و در تحلیل ساخت‌گرا، باید عناصر جزئی را با یکدیگر و در رابطه‌ی با کل سیستم بررسی کرد.

مهم‌ترین وظیفه‌ی سبک‌شناس ساخت‌گرا، تعیین تناسب‌های سبک‌شناختی سازه‌هاست نه تهیه‌ی فهرستی از مصالح موجود در متن. او در پی آن است که چگونه می‌توان میان آواها، واژگان، ترکیبات و ساخت‌های نحوی جمله‌ها، تناسب‌های ساختاری یافت و از دل آن ساختارها و تناسب‌ها ویژگی‌های سبکی اثر را شناسایی کرد؟ اگر جداسازی اجزاء به کشف تناسب‌ها و ساختارها نینجامد ما فقط متن را از هم گسسته‌ایم و مسلم است که تخریب یک بنا برای شناخت آن کارآمد نیست. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۴۶)

۲-۷- سبک‌شناسی نقش‌گرا

سبک‌شناسی پس از یک دوره دل‌مشغولی با شکل‌های شاعرانه و بررسی پدیده‌های صوری سخن (سبک‌شناسی فرمالیستی) به تدریج به سوی مطالعه‌ی بافت، نقش و معانی بینافردی و اجتماعی گرایید و در اواخر دهه‌ی هفتاد میلادی با چرخش به سوی زبان‌شناسی نقش‌گرا با نام «سبک‌شناسی نقش‌گرا» وارد میدان شد. جفری لیچ تفاوت نقش‌گرایی و فرمالیسم را به روشنی بیان کرده‌است: «نقش‌گرایی (در بررسی زبان) رویکردی است که می‌کوشد تا زبان را نه تنها در درون خود و به طور ذاتی و برحسب امکانات صوری‌اش توضیح دهد؛ بلکه در تلاش است تا رابطه‌اش را با نظام‌های بزرگ‌تری که آن را در خود گرفته‌اند نیز به مطالعه بگیرد؛ خواه این نظام‌های بزرگ‌تر را (فرهنگ) بنامیم خواه (نظام‌های اجتماعی) یا (نظام‌های اعتقادی) یا چیز دیگر. خلاصه آن‌که مطالعات نقش‌گرایی به جستجوی رابطه‌ی میان زبان و آنچه زبان نیست، می‌پردازد در حالی‌که فرمالیسم در پی بررسی روابط میان عناصر زبانی متن با یکدیگر است. (Leech, 1987: 76)

چرخش سبک‌شناسی به جانب نقش‌گرایی تا حدود زیادی از روش‌های تحلیل نقش زبان متأثر بود به ویژه از الگوی نقش‌گرای مایکل هلیدی که امروزه با نام (زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند) مقبولیت شایانی یافته‌است. بنیاد نظریه‌ی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی بر اساس (بررسی زبان در کاربرد) استوار شده که طبق این دیدگاه هر نوع‌گزینش‌زبانی در صورتی (نقش‌مند و معنادار) است که در یک بافت، موقعیت اجتماعی یا در دل یک فرهنگ به‌کار رفته‌باشد. قصد تحلیل‌گر نقش‌گرا از بررسی عناصر دستوری، نقش و معنایی، بیش‌تر توضیح (نقش معنایی) آن‌هاست و صورت‌های زبانی و ساخت آن‌ها را نیز به منظور توزیع نقش معنایی بررسی می‌کند. رویکرد نقش‌گرا، تحلیل شکل‌های بلندتر سخن را فراهم کرد. روش‌های زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند، سبک‌شناس را قادر می‌سازد تا زبان را فراتر از جمله و در سطح متن تحلیل کند. بنابراین تحلیل متن‌های طولانی و بزرگ مانند روایت‌های داستانی و نمایش‌نامه را آسان‌تر می‌سازد. چرا که وقتی امکان بحث از رابطه‌ی میان جمله و محیط و موقعیت آن به وجود آید خواه ناخواه به ساخت‌های بزرگ‌تر از جمله یعنی «متن» هم باید توجه کرد و باز وقتی سخن از رابطه‌ی متن با موقعیت‌های پیرامونی‌اش به میان بیاید ساختارهای بزرگ‌تری مانند «گفتمان» و «فرهنگ» پیش‌روی محقق است که دامنه‌ی کار سبک‌شناسی را بسیار گسترش می‌دهد.

زبان‌شناسی نقش‌گرا بر بسیاری از شاخه‌های سبک‌شناسی تاثیر گذاشت. نقش‌گرایان و به ویژه هلیدی می‌گویند «معنای هر سخن را بافت و موقعیت می‌سازد». سبک‌شناسی بافت‌گرا و رویکردهای ایدئولوژیک این دانش مانند سبک‌شناسی فمینیستی و سبک‌شناسی انتقادی، مدیون همین ایده‌ی سبک‌شناسی نقش‌گرا هستند. همچنین بسیاری از کارهای انجام گرفته در سبک‌شناسی نقش‌گرا، بر ارتباط نقش‌گرایی با زبان کاربردی صحه می‌گذراند. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۴۷)

۲-۸- رویکردهای آماری

بخش قابل توجهی از بررسی‌های سبک در چارچوب شیوه‌های آماری، منطقی، ریاضی و رایانه صورت می‌گیرد. این امر به سه دلیل است: نخست آنجا که متون به منزله‌ی داده‌هایی برای شناسایی اصول و قواعد احتمالی زبان به‌کار گرفته می‌شود، خواه برای پژوهش در تحولات تاریخی زبان و خواه

Family name: Enalizadeh Name: Leyla
Title of Thesi: study of lights of canopus star in cognitive style
Supervisor: Ali Ghaffari (Ph.D) Advisor: Bahman Zahedi
Graduate Degree: M.A. Major: Persian Language and Literature Specialty: Islamic mysticism University: Mohaghegh Ardabili Faculty: Literature and Humanities Graduation date: 2018/02/25 Number of pages: 103
Abstract: Anvar Soheyli is one of the old and famous books that is important in many ways. Envar Soheyli is rewritten by the great book of Kelleh and Demnah by Moholassin Vaeed Kashefi. This book is like a huge river that has swept through different lands and has left some of its features like sediment. In this research, Anwar Soheyli is considered from two directions of intellectual and literary interest. In the intellectual context, we have addressed the important issues of ethics, politics and society, the religion that the author brought to his book. In the literary section, we discuss the imagery and the exquisite spiritual industries and show that the preacher Kashifi was able to use them with their skill in their own words. With the help of the culture and language of literary language, he has been able to illustrate the reality and issues of the Timurid period with whimsical meanings. Anvarhasheli has various style features such as: narrative, storytelling, narrator, essay and specific subject, specific tone and expression, linguistic characteristics, verbalization and excessive use in the use of verbal and consequently verbal industries that we discuss in the third chapter. .
Keywords: Envar Soheyli, Vaeed Kashefi, Stylistics, Persian Prose



University of Mohaghegh Ardabili
Faculty of Literature and Humanities
Department of Persian Language and Literature

Thesis submitted in partial fulfilment of the requirements for the degree of
M.A. in Persian Language and Literature

Title:

study of lights of canopus star in cognitive style

Supervisor:

Ramin Moharrami (Ph. D)

Advisor:

Asgar salahi (M.A)

By:

Leyla Enalizadeh

Month – 2017